



عکس: سیدعلی اشهرآرا

دوره تیموری	۷۴ هکتار	۹۰۰۰ نفر	۳۴ معبر در قدیم	۱۰۰ بنا (تقریبی)
قدمت محله سرشور	وسعت فعلی محله سرشور	جمعیت فعلی محله سرشور	تعداد معابر محله سرشور	نقاط ارزشمند هویتی در محله سرشور

سرگذشت بازار سرشور به روایت تاریخ

- قرون اولیه اسلام:** شکل‌گیری بازار به عنوان راه ارتباطی بین نوغان و سناباد
- تیموریان:** تبدیل بازار به اصلی‌ترین معبر شهر و ساخته شدن میدان سرسنگ در انتهای بازار بزرگ به عنوان محل تجمع مردم و میدان اصلی شهر
- صفویان:** کم‌اهمیت شدن نقش اجتماعی میدان سرسنگ به دلیل احداث صحن عتیق و احداث محور بالا و پایین خیابان. همچنین در این دوره، بازار مشهد با احداث صحن عتیق، به دو بخش (شمالی بازار و جنوبی بازار) تقسیم شد.
- قاجار:** احداث بست بالاخیابان و بست پایین خیابان واحداث صحن جدید سبب از بین رفتن میدان سرسنگ می‌شود.
- قرن معاصر:**
 - تبدیل محور بالاخیابان و پایین خیابان به اصلی‌ترین معبر شهر و احداث واحدهای تجاری، مدرسه‌ها و کاروان سراها در اطراف آن
 - کاهش رونق بازار به دلیل وجود محورهای بالاخیابان و پایین خیابان
 - ایجاد راسته‌های تجاری فرعی در اضلاع صحن عتیق صفوی و صحن جدید قاجاریه
 - تقسیم راسته اصلی بازار به راسته‌های فرعی (اطراف بست‌ها و دو صحن ذکرشده)
 - تقسیم بازار برای دومین بار با احداث فلکه حضرت (سال ۱۳۰۸ه.ش) و سه قسمت شدن بازار
 - طرح احیای بافت محله سرشور اگر چه از سال ۹۲ کلیدخورده بود اما به طور جدی از سال گذشته در دستور کار قرار گرفت و هم اکنون در حال انجام است.

تخریب بازار

۱۳۱۰خورشیدی: تخریب بخشی از بازار (بخش شمالی) برای سومین بار با احداث خیابان طبرسی و از رونق افتادن بخش شمالی بازار باروی کار آمدن خیابان طبرسی

۱۳۳۳خورشیدی: تقسیم شدن بخش جنوبی بازار به دلیل احداث خیابان خسروی نو و تخریب بناهای مهم اطراف بازار

۱۳۴۰خورشیدی: استقرار واحدهای فرش‌فروشی در بخشی از بازار سرشور و نامیده شدن بازار فرش پرآن از بین رفتن رونق سراهای قدیمی بازار با احداث خیابان‌های تهران، طبرسی و ارگ

۱۳۵۳خورشیدی: تخریب بخش وسیعی از بازار به خصوص بخش مرکزی (داخل فلکه حضرت) و بخش جنوبی (بازار سرشور) با اجرای طرح توسعه حرم مطهر رضوی و نابود شدن بخش شمالی بازار به‌طور کلی

۱۳۶۷خورشیدی: تخریب مجدد بازار در طرح بازسازی محدوده حرم، به منظور توسعه عمران حرم مطهر رضوی



ملک محمود سیستانی و در اراضی مجاور ۲محله سراب و سرشور ایجاد شده و همین امر باعث سکونت تعداد قابل توجهی از افراد متمول شهر در محدوده کوچه سرشور بود؛ افرادی که البته اغلب در کوچه‌های غربی منشعب از سرشور ساکن بودند تا غرب سرشور بیشتر دولتی و شرق آن ملتی و مذهبی باشد. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز محله سرشور، پررنگ‌بودن سکونت افراد دارای پیشه‌های فرهنگی و تجاری نسبت به افراد دارای مشاغل روستایی بوده است؛ امری که در محلاتی چون پایین‌خیابان و نوغان و عیدگاه به‌عکس بود. به عبارت بهتر، سرشور از ابتدای ایجاد تا

مشاور طرح احیای بازار و محله سرشور و شهردار منطقه ۸

از احیای این محله می‌گویند

رسیدن به الگوی مناسب زیست در اطراف حرم مطهر رضوی



مشاور طرح احیای بازار و محله سرشور، درباره طرح بهسازی و احیای بافت تاریخی هویتی محله سرشور گفت: این طرح از سال ۱۳۹۲ آغاز شده است؛ ۲سال بعد طراحی پروژه به‌اتمام رسید، اما بنا به دلایلی اجرایی نشد. سال گذشته این طرح با تلاش بسیار، مراحل تأیید را پشت‌سر گذاشت و اکنون هم در حال اجرایی‌شدن است. در این طرح که قرار است در مساحتی ۷۴هکتاری اجرا شود، تاکنون ۱۰۰نقطه ارزشمند هویتی محلی شناسایی شده است.

ساسان نوروزی درباره هدف اجرای طرح می‌گوید: اهداف کوچک، ابزارهای رسیدن به اهداف بزرگ هستند؛ ما با اجرای این طرح تلاشی می‌کنیم زمینه مناسب را برای زائران و مجاوران فراهم کنیم تا بتوانند برپایه هویت فرهنگی و تاریخی شهرشان به یک الگوی مناسب زیست در اطراف حرم مطهر رضوی برسند. این اتفاق اکنون در محله سرشور به‌عنوان بافتی تاریخی که در مجاورت حرم قرار دارد، در حال رقم‌خوردن است؛ محله‌ای که علاوه بر مجاورت، بیشترین ارزش‌های تاریخی‌فرهنگی شهر را در خود حفظ کرده است، به‌طوری‌که تاکنون ۱۰۰نقطه ارزشمند تاریخی‌هویتی در آن شناسایی شده است.

بخش بعدی صحبت‌های نوروزی به گفتن از مراحل اجرای پروژه اختصاص پیدا می‌کند: این پروژه قرار است در ۳مرحله اجرایی شود. فاز اول که هم‌اکنون در حال کار روی آن هستیم، احیای ابتدای محله سرشور تا سرشور ۱۰ است که بنا داریم با تکیه بر ارزش‌های تاریخی‌فرهنگی، اجرایش کنیم. براساس پیش‌بینی‌های ما، تا تابستان سال آینده کار روی این بخش به‌اتمام می‌رسد. در قسمت دوم به احیای اثر شهری «بیگل‌بیگی» و «مسجد نظرکرده» خواهیم پرداخت که از مراکز اصلی محله سرشور در قدیم بوده‌اند. گام سوم هم به احیای ورودی سرشور اختصاص پیدا کرده است که درواقع دروازه فردوس است. ما ۳کانون فعال دیگر در محله را نیز شناسایی کرده‌ایم که یکی پارک کوچه آیتا... خانه‌ای است و دیگری کنار مسجد منبرگلی است و دیگری هم کنار مسجد الزهرا(س) است. این‌ها کانون‌های فرعی است که دیده‌ایم و تماشاگر طراحی شده است و قدم‌به‌قدم پیش می‌رویم تا در نهایت بتوانیم با احیای دوباره بافت، مردم را برای بازیابی هویت تاریخی‌فرهنگی محله تشویق کنیم. ناگفته نماند که مرمت این بازار و محله، فقط کالبدی نخواهد بود و بخش زیادی از فعالیت ما در مسیر احیای هویت فرهنگی و اجتماعی محله صورت می‌پذیرد.

شهردار منطقه ۸ مشهد که مجری طرح احیای بازار سرشور است نیز در این باره می‌گوید: در بازآفرینی و احیای محله سرشور، اولویت اصلی مدیریت شهری، طراحی محوری پیاده‌مدار است



که آرام‌سازی مسیر و ایجاد ایمنی برای سهولت رفت‌وآمد عابران پیاده را در پی داشته باشد.

علی شیرازی ادامه می‌دهد: در طرح احیای بازار، با توجه به ازدحام جمعیت و مزاحمت خودروها، تردد از ابتدای خیابان سرشور یعنی اندرزگو ۶ تا سرشور ۱۰ به‌صورت کاملاً پیاده خواهد بود و خودروها فقط باید در شرایط مدیریت‌شده تردد داشته باشند؛ بدین صورت که برای بارانداز مغازه‌ها، خدمات شهری، اورژانس و آتش‌نشانی طبق ضرورت تردد صورت خواهد گرفت.

عبورمرو زائران برای اقامت نیز به‌همین صورت خواهد بود. در بخش دوم این راسته و از سرشور ۱۰ تا سرشور ۲۴ (کوچه چهلو) تأکید بر غلبه پیاده است و از سرشور ۲۴ تا انتهای بازار و رسیدن به خیابان دانش با اولویت حرکت پیاده، آرام‌سازی حرکت سواره در نظر گرفته شده است.

به گفته شهردار منطقه ۸، هزینه احیای بازار تا سرشور ۱۰ به‌عهده شهرداری خواهد بود و در ادامه از مشارکت اهالی بهره خواهیم برد. هم‌اکنون نیز مغازه‌دارها با شهرداری برای بازسازی همکاری بسیاری خوبی دارند. او شروع پروژه را بازسازی نمای ساختمانی تاریخی در ابتدای بازار بیان می‌کند و می‌گوید: در ابتدای بازار سرشور، شیرازی سازه‌های تاریخی بازار سرشور را بازمانده

اواخر دوران قاجار می‌داند و می‌گوید: در طرح بهسازی سرشور نمی‌توان به یک دوره تاریخی مشخص برگشت و مجبوریم لایه‌های مختلف از دوره‌های تاریخی را در کنار یکدیگر حفظ و مرمت کنیم؛ این موضوع در بافت تاریخی شهرهای دیگر هم دیده می‌شود که هر کدام روایت‌کننده زمان خودشان هستند. برای سامان‌دهی سرشور نیز به این وضعیت احترام گذاشتیم و نقاطی را که شواهد و آثار بارزش وجود دارد حفظ کردیم و برای مکان‌هایی که کاملاً از بین رفته‌اند سعی کردیم تا حدی گذشته تاریخی را به آن برگردانیم.

اما در بحث عمرانی بازار، مسقف‌شدن بخش ابتدایی بازار تا سرشور ۱۰ و کف‌سازی و بدنه‌سازی نیز در دستور کار شهرداری قرار گرفته است.

شهردار منطقه ۸ در این باره توضیح می‌دهد: کف بازار سرشور از ابتدا تا انتها به شکل الگوی بازارهای قدیمی، ترکیبی با ظاهر آجرفرش خواهد داشت؛ بدین صورت که از ابتدا تا سرشور ۱۰ کف‌سازی و بدنه‌سازی و مسقف خواهد شد، اما در ادامه مسیر تا رسیدن به سرشور ۲۹ فقط بدنه و کف‌سازی در کنار هم انجام خواهد شد و از سرشور ۲۹ تا انتهای بازار به دلیل وجود ساختمان‌های نوساز، فقط کف‌سازی انجام خواهیم داد.



روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه ۸ خرداد ۱۳۹۲ ۵ شهریور ۱۳۹۲ شماره ۳۱۱۵

۵۵

تاریخ و هویت

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

۵۵

خزان کاغذآخبار

خرداد۱۳۴۲، سال تعطیلی بسیاری از مطبوعات در خراسان و ایران است



انبراهیم‌حافظی سرپرست اداره مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها،موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس

با تشکیل دولت ملی مصدق، عصر طلایی روزنامه‌نگاری ایران رقم خورد. در سایه آزاداندیشی مصدق، روزنامه‌های فراوانی در کشور و خراسان انتشار می‌یابند. همین است که با کودتای مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت مصدق، ریزش روزنامه‌ها و توقیف بسیاری از مطبوعات را شاهد هستیم. در واقع پس از مرداد ۱۳۳۲ فصل خزان آزادی مطبوعات فرامی‌رسد و گرایش اغلب روزنامه‌ها از سیاست به موضوعات روزمره و سطحی تغییر می‌یابد. مجید فیاض در خاطراتش می‌نویسد: «به نشریات سیاسی مگر در چارچوب محدودیت‌های رژیم مجزه به ساواک، اجازه انتشار نمی‌دادند. قیافه حق‌به‌جانب‌هیرمند فصلی توأم با محتوای ادبی‌هنری، سوءظن ناظرین حکومتی بر مطبوعات را برنینگخت.»

در واقع در سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ که منجر به قیام ۱۵خرداد و تبعید امام‌خمینی شد، صدها روزنامه در حال انتشار، توقیف و بسیاری از مجوزها لغو شد. دولت کودتا در مشهد پس از مرداد ۱۳۳۲ بالغ بر ۳۰روزنامه را توقیف یا لغو انتشار نمود و روزنامه‌های «سیاه‌وسفید»، «فرشیدی»، «نوا خراسان»، «زین»، «تخجیر»، «کارگران خراسان»، «شمع»، «خوشه»، «رستاخیز عدل»، «داد خراسان» و تعدادی دیگر، از ادامه انتشار بازماندند. روزنامه‌های «خراسان»، «آفتاب شرقی»، «نور خراسان»، «ایران‌نما»، «هیرمند» و تعداد اندکی دیگر با اعمال محدودیت‌هایی ازسوی ساواک خراسان، انتشارشان را تا سال‌های نزدیک به انقلاب اسلامی، ادامه دادند.

در مدت ۱۰سال پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ تنها دو هفته‌نامه و چند مجله در مشهد، مجوز چاپ گرفتند. روزنامه‌های «هیرمند»(۱۳۳۷) و «آهنگ‌خاور»(۱۳۴۰) چاپ شدند که آخرین روزنامه‌هایی بودند که پیش از انقلاب، اجازه انتشار یافتند. با توجه به فضای دیکتاتوری نظامی پس از کودتا، «هیرمند» روزنامه‌ای بیشتر ادبی‌اجتماعی و کمتر سیاسی بود و «آهنگ‌خاور» ماهیت سیاسی با وابستگی به رژیم داشت. به نظر می‌رسد روند خفقان و فشار بر روزنامه‌ها، فضای راحتی را برای آن‌ها ایجاد نمی‌کرد. مطالب را مکرراً ساواک کنترل می‌کرد و سانسور شدیدی بر آن‌ها اعمال می‌شد. از روزنامه‌ها مرتب تعهد گرفته می‌شد که مطلب سیاسی یا علیه دربار و دولت به چاپ نرسانند.

مجید فیاض که در سال ۱۳۳۷(یک سال پس از تشکیل ساواک) به انتشار «هیرمند» پرداخته بود، در این باره می‌نویسد: «آرشام، رئیس ساواک خراسان، با اخذ مدرک کتبی از من مبنی بر اینکه روزنامه‌ام بر علیه سلطنت چیزی نخواهد نوشت و ضد رژیم پهلوی تحریک نخواهد کرد، امتیاز روزنامه مرا با نام هیرمند، بلامانع تشخیص داد.»

وی در توصیف وضعیت روزنامه‌نگاری پس از کودتای ۲۸مرداد که توأم با کنترل شدید نیروهای ساواک بود، می‌نویسد: «... از آن به بعد سلطنت محمدرضاشاه تا تکیه بر حمایت غرب، مختصر آزادی‌های تازه‌به‌دست‌آمده مردم را پس گرفت... در این خط از پامال کردن تمام حقوق اساسی و انسانی ایرانیان آزادی‌خواه دریغ نورزید... تا مدتی دراز توانست نقش دوم را در محور کائنات پس از خدا و پیش از میهن داشته باشد و از من گردن کلفت‌ترها هم راهی جز این نبودند که بگویند چه فرمان یزدان، چه فرمان شاه.»

در فاصله سال‌های پس از کودتا تا ۱۳۵۵ محتوای روزنامه‌های خراسان معطوف به انقلاب سفید شاه، فعالیت‌های حزب مردم و رستاخیز و اقدامات نوسازانه شاه در عرصه اقتصادی بود. پس از کودتا، شاه با توقیف ارتش و افزایش نیروی ساواک، توانسته بود رسانه‌های گروهی را به نحو مؤثری سانسور کند.

اوایل دهه ۴۰ سه بحران کاپیتولاسیون، اصلاحات ارضی و تشکیل انجمن‌های ایالتی و ولایتی باعث شد نیروهای مذهبی به رهبری امام‌خمینی، موضوع تندى دربرابر شاه و دولتی‌ها بگیرند. شاه به قدرت مطلقه تبدیل شد و حکومت دربرابر قیام‌های عمومی مانند ۱۵خرداد ۱۳۴۴ شروع به سرکوب و کشتار مردم کرد. روزنامه‌ها برای پوشش اوضاع سیاسی اجتماعی کشور به‌شدت تحت کنترل بودند و سانسور شدید بر آن‌ها حکم‌فرما بود. به‌ندرت وقایع روی‌داده در اوایل دهه ۴۰ در مطبوعات انعکاس یافته است و اگر هم اشاره‌ای شده، بیشتر بازگوکننده منافع شاه و دولت بوده است.

در آغازین روزهای نخست‌وزیری اسدالله... علم در سال ۱۳۴۱ هیئت‌وزیران مصوبه‌ای تصویب می‌کند که روزنامه و مجله‌هایی که تیراژ آن‌ها کمتر از ۳هزار و ۵هزار نسخه باشند، متوقف شود. سیدفرید قاسمی در کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، به لغو امتیاز ۹۱عنوان نشریه به‌دلیل کم بودن تیراژ آن‌ها اشاره کرده است. تأسیس سندیکاهای روزنامه‌نگاران در برخی نقاط کشور از دیگر پیامدهای اوایل دهه ۴۰ محسوب می‌شود. سندیکای روزنامه‌نگاری خراسان در همین ایام شکل گرفت و بسیاری از اصحاب رسانه به عضویت آن درآمدند.

روزنامه‌نگاری خراسان در روزهای منتهی به قیام ۱۵خرداد، مشابه سایر نقاط کشور، منفعلانه و به نفع حکومت با تعریف و تمجید از برنامه‌های جاه‌طلبانه شاه ادامه داشت. تحولات و تحركات نیروهای مذهبی، کمترین پوشش را داشتند. در مجموع، پس از مرداد ۱۳۳۲ حدود ۱۲عنوان نشریه به انتشارشان ادامه دادند و ۱۰عنوان جدید مجوز چاپ گرفتند که از تیرهای آتشین اوایل دهه ۳۰در آن‌ها خبری نبود. آن‌ها با محتوایی خوشایند شاه و منفعلانه دربرابر حوادث پیش‌رو تا اواسط دهه ۵۰به حیات خود ادامه دادند. نوآفرینی با سبک نگارش خاصی در آن‌ها دیده نمی‌شد و در محیطی آرام و خارج از هیاهوهای سیاسی و اجتماعی کار می‌کردند و تعدادی از آن‌ها بیشتر به نشریه‌های فرهنگی هنری شبیه بودند.

منابع و مأخذ: قاسمی، سیدفرید، مطبوعات ایران در قرن بیستم، تهران: نشرقصه، ۱۳۸۰. قاسمی، سیدفرید، رویدادهای مطبوعاتی ایران، تهران: وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳. مجیدفیاض، عبدالمجید، از باغ قصر تا قصر آرزوها: خاطرات سیاسی یک عضو سابق حزب توده، تهران: کویر، ۱۳۸۹، ج ۲.

روزگار باشد